

دریافت: تیر ۹۴

پذیرش: آبان ۹۴

خط‌مشی‌گذاری مالی در حکمرانی متعالی از منظر نهج البلاغه

علی اصغر پورعزت^۱

پاکنوش کیانی^۲

زینب پورعزت^۳

چکیده

دوراندیشی و تدبیر امور با نگاه تیزبین خط‌مشی‌گذار و با در نظر گرفتن مصالح آینده حکومت، از مباحث ضروری حکمرانی متعالی است. خط‌مشی‌های تجویزی حال، دورنمای آینده را ترسیم می‌کنند و خط‌مشی‌های مالی، رویدادهای اجتماعی را رقم می‌زنند. رویدادهای اجتماعی، اتفاقات آتی را در پی خواهند داشت. بنابراین آینده، تحت تأثیر آن دسته از جریان‌های مالی است که ساخت اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند. آرمانهای مشترک اعضای هر جامعه به استمرار و دوام آن جامعه کمک می‌کنند. جریان آزاد اطلاعات و شفافیت در رویه‌های جاری، موجب پایداری و انسجام حکومت می‌گردد و مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را تقویت کرده و اعتماد عمومی به حکمرانان را افزایش می‌دهد.

در این پژوهش، دلالت آیات و روایات برگرفته از قرآن کریم و سیره اهل بیت «علیهم السلام» و به‌ویژه سیره حکمرانی امام علی «علیه‌السلام» در مقوله خط‌مشی‌گذاری مالی و ملاحظات اخلاقی ناظر بر آن، رصد شده است.

بهره‌گیری بهینه از منابع به جای مانده از گذشتگان، باعث شکوفایی جامعه و نیز مصونیت در برابر آسیب‌های اجتماعی و مالی شده، منافع عصر حاضر و مصالح آیندگان را تأمین می‌کند و مسئولیت پیامدهای تسلسلی تصمیم‌ها و خط‌مشی‌ها را بر عهده می‌گیرد و اهتمام به امانت‌داری و مصرف مدبرانه با توجه به نیازهای نسل‌های بعد، برای نیل به مختصات حکمرانی متعالی ضروری است.

واژه‌های کلیدی:

خط‌مشی مالی، عبرت از گذشته، مصرف مدبرانه، بهینه‌سازی منافع، نسل‌های آینده.

۱. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، نویسنده مسئول pourezzat@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی - گرایش مالی p.kyani48@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی دانشگاه تهران zpourezzat@ut.ac.ir

مقدمه

دوراندیشی از نگاه هوشیارانه به آینده حکایت دارد؛ آینده‌ای که باید از امروز برای ساختن آن تدبیر کرد. در میان ابزارهای تدبیر آینده، خط‌مشی‌های مالی کم نظیرند؛ خط‌مشی‌های مالی، جریان‌های اجتماعی را سبب می‌شوند و جریان‌های اجتماعی، حوادث آینده را شکل می‌دهند؛ بنابراین جریان‌های مالی، آینده سازند و ساحت‌های گوناگون حیات اجتماعی را در عرصه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهند.

این جریان‌ها به ویژه در صورت همراهی مردم، نافذتر و اثرگذارترند؛ زیرا رشد و بالندگی و دوام هر جامعه، به روح وحدت و احساس هویت مشترک اعضای آن بستگی دارد. در حکومت‌های مردم سالار که بین حاکمیت و مردم، از حیث شفافیت و رویه‌های حکمرانی، توازن و تعادل وجود دارد، انسجام اجتماعی قوی‌تر و پایدارتر می‌شود؛ بنابراین مردم در فراگرد تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کرده و اعتماد عمومی به حکومت افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، فراگرد تصمیم‌گیری با مشارکت عامه تقویت می‌شود؛ به گونه‌ای که امکان حیات خردمندانه فراهم گردد. حیات خردمندانه بر شرایطی دلالت دارد که در آن، علاوه بر تأکید جدی بر بهینه‌سازی مسیر و میزان مصرف منابع و توجه به اهمیت صرفه‌جویی و قناعت، بر ضرورت بهینه‌سازی منافع و تدبیر امور برای توسعه و پیشرفت و بهینه شدن در افق زمانی نزدیک، میانه و دور تأکید می‌شود.

تصویر آرمانی جلوه‌های اخلاق حکمرانی

منظور از تدبیر امور، همان دوراندیشی و برنامه ریزی با نگرش به آینده است. تبیین چشم انداز و راهبرد آتی، منوط به استفاده از دو مقوله تدبیر و برنامه ریزی است. آینده‌ای که در قرآن و روایات معصومین «علیهم السلام» از آن، با اشاره به «فردا» و «عاقبت» یاد می‌شود، نتیجه حوادثی است که آدمی در زندگی روزمره «حال» رقم می‌زند و به تعبیری «هر کسی، آن درود عاقبت کار که کشت». از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین روایت شده است که: هیچ عقلی مانند تدبیر نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۹)؛ بنابراین یکی از الزامات حکمرانی متعالی، پیروی از عقل در تصمیم‌گیری هاست. با این تأکید که انسان عاقل، حداقل از دو استعداد بهره مند است، «استعداد به وجود آوردن یک برنامه یا قاعده برای قضاوت یا عمل» و «استعداد

استفاده از آن قاعده یا اطلاق آن بر موارد خاص یا استفاده از آن برنامه «مجیدی، ۱۳۷۳، ۲۳۸). این حسن تدبیر باید در همه جلوه‌های حکمرانی نمود یابد.

از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام چنین روایت شده است: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَدَّ لِنَفْسِهِ وَ اسْتَعَدَّ لِرْمْسِهِ وَ عِلْمٌ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ يَعْنِي: «خداوند رحمت کند کسی را که بدانند از کجا آمده، در کجا قرارداد و به کجا می‌رود» (ر.ک. ملاصدرا، ج ۱، ۵۷۱). این تأکید ناظر بر فلسفه زندگی است که قطعاً بر حکومت نیز تأثیر می‌گذارد.

فرانک مارینی^۱ در نگاهی جذاب به مسئولیت حکومت در آینده، تأکید می‌کند که آینده متعلق به کسانی است که حکومت را در برابر بازده و پیامدهای اقداماتش مسئولیت‌پذیر می‌سازند (marini, 1971, 367).

داستان حکمرانی متعالی، داستان تعهد آگاهانه، جدی، مستمر و مستقل جامعه به تحقق عدالت اجتماعی است؛ بنابراین علاوه بر ویژگیهای حکمرانی خوب، نظیر حاکمیت قانون، بهبود کیفیت، بهره‌مندی از سیستم قضایی مستقل، تفکیک قوای متعادل، تلاش برای نیل به اجماع در جامعه، تمرکززدایی و مبارزه با فساد و رفتارهای خودسرانه، رعایت منافع ملی در عقد قراردادها، شایسته‌سالاری اداری، کاهش هزینه توجه به بازده عملکرد (ر.ک. پورعزت، ۱۳۹۱-الف، ۲۷۰)، باید چهار ویژگی ضروری و مهم: استقلال، آگاهی، جدیت و استمرار در انتخاب را برای آحاد جامعه مهیا سازد (ر.ک. پورعزت، ۱۳۹۱-الف، ۲۸۷-۲۸۸). بدین ترتیب، در اثر توسعه حکمرانی متعالی، جامعه‌ای متعالی شکل می‌گیرد؛ جامعه‌ای آگاه، جدی، مستقل، و مراقب. این مهم مستلزم جهاد در همه ارکان و احوال زندگی است. جهادی که حتی در حفظ شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز متجلی می‌شود.

از امام علی علیه السلام در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه چنین روایت شده است:

کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد. دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند؛ به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم می‌شود... به خدا سوگند! هر ملتی که در درون خانه

1. Marini, Frank, 1971.

خود مورد هجوم قرار گیرد، دلیل خواهد شد (رک. ترجمه دشتی، ۵۱).

حکومت علاوه بر تأمین تسهیلات اولیه و زیر ساخت‌های سخت افزاری رشد و توسعه ظرفیت‌های همگان، باید تلاش کند که موانع رشد و توسعه اقتصادی را از میان برداشته، امکان استفاده بالغ و آگاهانه از منابع ملی و فرصت‌های برابر را برای همه افراد و آحاد جامعه فراهم آورد. بنابراین، حکومت باید در تصور آرمانی خود، چنین جلوه‌ای از اخلاق حکم رانی را در نظر داشته باشد؛ هر چند نیل به آن در عالم واقع دشوار یا غیر ممکن به نظر می‌آید. این مهم میسر نمی‌شود مگر با تلاش و مساعدت اکثریت آحاد جامعه.

توسعه جامعه پویا و برخوردار از رفاه نسبی در برابر جامعه فقیر و ایستا

لازمه خط‌مشی‌گذاری مالی سالم، بهره‌مندی از سیستم حسابداری دقیق و صریح است؛ این سیستم کمک می‌کند تا جامعه‌ای منطقی شکل بگیرد. جامعه‌ای که آحاد مردم آن با بهره‌گیری از منابع مالی در اختیار، بدون کوچکترین دغدغه‌ای به فعالیت‌های جاری خویش مشغول هستند و حکمران مسلمان با تبیین شرایط سهل و ممتنع و ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان، کوشش می‌نماید و در چرخه مالی و اداری تحت مدیریت خویش، با به کارگیری ابزارهای پیشرفته محاسبات الکترونیکی، به ارائه خدمات اجتماعی مبادرت می‌ورزد. در این امتداد بهره‌گیری از خدمات الکترونیک برای حسابرسی دقیق حکومت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با افزایش قدرت ثبت و ضبط اطلاعات، خطاها و تخلفات اداری و مالی کمتر خواهد شد و بدین ترتیب، احتمالاً سلامت اداری به صورت قهری افزایش خواهد یافت (Bowman and Knox, 2008, p.627).

بنابراین بازار فعالیت مالی و اقتصادی برای همگان کاملاً آزاد است و هر یک از افراد جامعه در صدد بروز استعدادها و قابلیت‌های خویش به منظور بهره‌مندی از فضای کسب و کار و رقابت در بازار جامعه اسلامی بر می‌آید؛ در این شرایط، سیستم اجتماعی مسئول رفع فقر از گرده کسانی است که در این شرایط نیز ناتوان می‌مانند.

در این باره، در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه چنین روایت شده است:

سپس، خدا را خدا را، درباره طبقه پایین [جامعه] از کسانی که هیچ چاره‌ای

ندارند، در میان زمین گیران و نیازمندان و گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه، مردمی هستند که گدایی می کنند و مردمی هستند که در عین نیاز، روی گدایی ندارند. پس برای خدا، نگهبان حقی باش که خداوند برای این طبقه معین نموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غلات (خواروبار) زمین های غنیمی اسلام را در هر شهری، به طبقات پایین اختصاص ده^۱ (ر.ک. ترجمه دشتی، ۱۵۷).

باید توجه داشت که جامعه فقیر، همواره از سوی سایر جوامع تحقیر می شود. چنین جامعه ای به هیچ وجه قابل اعتماد نیست و هرگز نمی تواند به عنوان الگویی مناسب و درخور احترام در نزد دیگران، مدنظر قرار گیرد.

در جامعه پویا و برخوردار از رفاه، کیفیت نسبی زندگی همه مردم تأمین می گردد و نیازهای فردی اشخاص، یا توسط خود یا توسط جامعه رفع می شود.

مفهوم رفاه در جامعه اسلامی بسیار گسترده است؛ به نحوی که علاوه بر تأمین امکانات بهداشتی و تحصیلی برای همگان، برخورداری از مسکن، غذا و پوشاک سالم، فراهم سازی شرایط رشد و پیشرفت و توسعه شرایط فردی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد؛ رفاهی که زمینه انتخاب آزاد در فضایی آرام و با نشاط را برای آحاد جامعه فراهم می سازد و موانع پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از میان برمی دارد.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه، درباره اهمیت تأمین رفاه برای عامه مردم چنین روایت شده است:

چون شهرها آباد گردند، هرچه بر عهده مردمش بنهی، انجام دهند که ویرانی زمین را تنگدستی مردم آن سبب شود و مردم زمانی تنگدست گردند که همت والیان همه گرد آوردن مال بود و به ماندن خود بر سر کار اطمینان نداشته باشند و از آنچه مایه عبرت است، سود نگیرند (ر.ک. ترجمه آیتی، ۷۳۵).

همچنین در نامه ۴۵ نهج البلاغه نیز درباره اهمیت و ضرورت و دشواری پذیرش مسئولیت توجه به فقرا در حکومت اسلامی، چنین روایت شده است:

۱. در این باره، می توان در عصر حاضر به اموال مصادره شده از دشمنان در حال جنگ با کشورهای اسلامی اشاره کرد. بر اساس ملاحظات امام علی «علیه السلام» درباره فقرا و مستمندان، مدیر مسلمان می تواند این گونه اموال غنیمی را به کار اندازد و از درآمد آن، گروه های مستمند را بهره مند سازد.

اگر بخواهم به عسل مصفا و مغز گندم و جامه‌های ابریشمین دست می‌یابم؛ ولی هیهات که هوای نفس بر من غلبه یابد و طمع، مرا به گزینش غذاها بکشاند و حال آنکه در حجاز یا یمامه، بینوایی باشد که به یافتن قرص نانی امید ندارد و هرگز مزه سیری را نچشیده باشد؛ یا شب هنگام با شکم انباشته از غذا سر بر بالین بگذارم و در اطراف من، شکم‌های گرسنه و جگرهای تشنه باشند (ر.ک. ترجمه آیتی، ۷۰۳).

در جامعه پویا و برخوردار از رفاه نسبی، با ایجاد امنیت و تقویت اعتماد عمومی، امکان مشارکت را برای همه آحاد جامعه فراهم می‌سازند. حکمران مسلمان رعایت حقوق عامه مردم و بیت‌المال را محترم انگاشته، به توسعه و آبادانی جامعه تحت مدیریت خویش همت می‌گمارد. در وصول مالیات‌ها بر حسب دوره‌های رکود و رونق تصمیم‌گیری می‌کند، مالیات را به قدر نیاز حال در جهت اداره نیکوی امور به مصرف می‌رساند. به تأمین امنیت اموال عامه و تولیدکنندگان و تجار، توجه ویژه‌ای داشته، از سوءاستفاده خواص و نزدیکان و گروه‌های ذی نفوذ ممانعت به عمل می‌آورد (ر.ک. کیانی، ۱۳۹۱، ۱۰۴).

در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه چنین روایت شده است: هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین، چون در آب فرورفتن آن یا بی‌آبی، شکایت نزد تو آوردند، از هزینه و رنجشان بکاه، آن قدر که امید می‌داری که کارشان را سامان دهد (ر.ک. ترجمه آیتی، ۷۳۵).

همچنین بر اهمیت رعایت حریم بیت‌المال و حقوق عامه مردم در آن بسیار تأکید شده است.

از امام علی علیه السلام در نامه ۴۳ نهج‌البلاغه، خطاب به مصقله پسر هییره شیبانی، پس از بازخواست و توبیخ وی به جهت رعایت نکردن اصل عدل و انصاف در بیت‌المال، چنین روایت شده است:

حَقِّ پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیان‌کارترین انسان شوی. آگاه باش! حَقِّ مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت‌المال، مساوی است، همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من بگیرند (ر.ک. ترجمه آیتی، ۳۹۳).

در حین تدوین خطبشی مالی، باید سهم ویژه‌ای را برای افراد ناتوان و نیازمند در نظر گرفت؛ افرادی که معمولاً در پیچ و خم سیستم‌های اداری فراموش می‌شوند. بنابراین رسیدگی به فقرا، امری مستحب نیست، بلکه امری واجب است. در واقع از جلوه‌های بارز حکمرانی متعالی، رسیدگی به ضعیف‌ترین اقشار جامعه، تدبیر امور آینده، بهینه‌سازی شیوه مصرف درآمدهای عمومی، رعایت پیمانهای عمومی و خصوصی، رعایت حریم بیت‌المال و انتقاد پذیری برای اصلاح خود و کاربست انتقادهای در استمرار یادگیری است.

حکومت اسلامی موظف است از بیت‌المال، هزینه‌های اداره دولت و خدمات عمومی و نیازهای دفاعی را تأمین نماید؛ هزینه‌هایی نظیر توسعه اماکن رفاهی عامه، کوچه و خیابان، پارک، تأمین روشنایی، آب‌رسانی، تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی و عبادی و بهداشتی. واضح است که پرداخت به موقع این هزینه‌ها، موجب بهبود آن دسته از خدمات اجتماعی می‌شود که انجام صحیح آنها در رفع نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه، تأثیر بسزایی دارد و با این هزینه‌ها، چهره شهر و روستا در جامعه اسلامی به فضایی مطلوب‌تر بدل می‌شود.

تبیین مسیر تعالی حکمرانی آرمانی

در تبیین مسیر آرمانی حکومت اسلامی، توجه ویژه به همه جنبه‌های تعالی و شرایط محیطی سازمان و نیروی انسانی در اختیار آن مدنظر است. کارگزار مسلمان باید مسیر تعالی روحی و روانی و مادی کارکنان خود را مدنظر قرارداده، مسیر رشد و توسعه شغلی آنان را هموار سازد. مجموعه مهمی از صفات و ویژگی‌های مناسب برای حکمرانی سالم، با تأمل بر نکات اخلاقی مورد تأکید حضرت امیرالمؤمنین^{علیه السلام}، هنگام بحث از معیارهای جانشینی پیامبر مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قابل استخراج‌اند (ر.ک. پورعزت و کیانی، ۱۳۹۴-الف، ۷۲).

در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه از ایشان چنین روایت شده است:

خدا یا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد و دعوتت را لیبیک گفت؛ در نماز، کسی از من، جز رسول خدا «صلی الله علیه و آله»، پیشی نگرفت؛ همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و مال و غنائیم و احکام مسلمانان، ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمانان را عهده دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد؛ و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود، مسلمانان

را به گمراهی بکشاند؛ و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم، حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند و رشوه خوار نیز نمی‌تواند امام باشد؛ زیرا که در مقام داوری با اخذ رشوه، حقوق عده‌ای را پایمال و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند؛ و آن کسی که سنت پیامبر «صلی‌الله‌علیه‌وآله» را ضایع کند، لیاقت رهبری ندارد؛ زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند (ر.ک. ترجمه دشتی، ۱۷۵).

تأکید بر عدم لیاقت بخیل بسیار جالب توجه است؛ زیرا بخیل روحیه کار و نشاط را از مسلمانان سلب می‌کند. پرداخت حقوق کافی به کارگزاران از وظایف حکمران مسلمان است. این کار ضمن آنکه فساد اداری را به کمترین حد می‌رساند، زمینه ساز ترقی و پیشرفت فردی بوده، انگیزه کار را در آنها افزایش می‌دهد (ر.ک. پورعزت و همکاران، ۱۳۹۱-ب، ۸۲). افرادی چون مدیران، کارکنان، مأموران اخذ مالیات، دبیران، نظامیان، قاضیان، مجریان قانون، نیروهای انتظامی و کلیه کسانی که وظایف دولت را انجام می‌دهند، حقوقی بر عهده دولت دارند که دولت باید طبق قانون، آنها را اعاده نماید. در فرازی از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه از امام علی (علیه‌السلام) در باره نحوه تأمین مالی کارگزاران و حکمرانان چنین روایت شده است:

پس روزیها را به فراوانی به سرشان فرو بریز؛ زیرا چنان کاری برای آنان نیرویی است که با آن خواستار اصلاح خود می‌شوند و وسیله‌ای برای بی‌نیازی آنان از دست‌درازی به دارایی‌های در اختیار خویش است و اتمام حجتی است بر آنان که با فرمانت مخالفت نکنند یا در امانت تو رخنه‌ای پدید نیاورند (ر.ک. ترجمه دشتی، ۴۱۱).

تقویت و بهبود خدمات اجتماعی و برقراری حکومت اسلامی، فقط با محوریت مردم تحقق می‌یابد. در این امتداد، تأمین نیازهای عامه و نیز ارتقای مسیر شغلی کارگزاران و کارکنان بسیار راهگشاست. در جامعه اسلامی رعایت حقوق برابر و تأمین حداقلی معیشت مردم ضروری است. علاوه بر این، توجه به کارگزاران و مأموران اجرای قانون و ارائه دهنده خدمات،

سبب می‌شود که آنها بیش از آنکه در صدد نیازهای ابتدایی خویش برآیند، در حفظ حقوق و پاسداری از اموال مردم به منزله امانتداری صدیق و پرتلاش، همت گمارند. در فرازی از نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی علیه السلام در باره بهبود خدمات اجتماعی و برقراری حکومت اسلامی با محوریت مردم، چنین روایت شده است:

دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو در حق، میانه‌ترین و در عدل، فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می‌سازد. خواص جامعه، همواره بار سنگینی بر حکومت تحمیل می‌کنند؛ زیرا در روزگار سختی یاری آنها کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌ترند. در تحمیل خواسته‌های خویش پافشاری می‌کنند و در برابر بذل و بخشش کم سپاس‌ترند. به هنگام منع خواسته‌ها و در برابر عذرخواهی، مقاومت می‌کنند و در حین بروز مشکلات از استقامت کمتری برخوردارند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عامه مردم‌اند، پس میل و رغبت خویش را به سمت عامه مردم معطوف بدار (ر. ک. ترجمه دشتی، ۴۰۵).

از متن خطبه‌های فوق، چنین به نظر می‌رسد که بنیان حکومت و حکمرانی عدل، با رعایت اصول و معیارهایی پی‌ریزی می‌شود که در امتداد آنها حفظ حقوق عامه مردم، آزادی بیان و اندیشه همه گروه‌ها و سلايق و رعایت اصول و موازین اخلاقی و دینی است؛ به‌ویژه احقاق حقوق مالی مردم از بیت‌المال، بسیار مورد تأکید و توجه قرار می‌گیرد. این امر در همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی قابل طرح است؛ زیرا در هیچ موقعیتی روا نیست که حقوق و سهم‌های عادلانه و حقوق حقه افراد، به‌صورت مبهم و با رویه‌های متفاوت و غیرشفاف اعاده گردند. شفاف‌سازی اجزای سیستم پاداش موجب می‌شود که افراد از چند و چون تشویق و تنبیه خویش آگاهی یابند. (Armstrang, 2010 & Oneal, 1997) این امر بسیار مهم است و همه افراد باید بدانند که چرا به حق معینی می‌رسند یا از پاداش معینی محروم می‌گردند. علاوه بر تخصیص عادلانه و رویه عادلانه تخصیص، الگوی روابط اجتماعی

نیز باید عادلانه باشد و باید این نکته مهم مدنظر قرار گیرد که هنگام ارائه پاداش به افراد، با آنها حقیقتاً محترمانه رفتار شود (Roch & Shanack, 2006, 300) و هیچ گونه تبعیضی مدنظر قرار نگیرد.

در نامه ۵ نهج البلاغه، در این باره چنین تصریح شده است:

تو حق نداری که نسبت به مردم مستبدانه رفتار کنی (ر.ک. ترجمه دشتی، ۳۴۵)؛ یعنی تو حق نداری که هر چه می خواهی به مردم فرمان دهی (ر.ک. ترجمه آیتی، ۶۰۹).

همچنین در نامه ۵۳ نهج البلاغه چنین آمده است:

درباره خویشاوندان خاص و هر یک از افراد مردم که دوستش داری، انصاف را رعایت نمای که اگر چنین نکنی، ستم کرده ای و هر که بر بندگان خدا ستم کند، افزون بر بندگان، خدا نیز دشمن او خواهد بود (ر.ک. ترجمه آیتی، ۷۲۱-۳).

یعنی رعایت عدالت در توزیع و رویه کافی نیست؛ شفاف بودن رویه توزیع و تخصیص عادلانه، باید با رعایت احترام و حرمت برابر میان افراد تکمیل شود. بر این اساس، نمی توان یکی را با احترام اضافی مورد توجه قرار داد و از سایرین، با بی اعتنائی غفلت کرد! پس مدیر موظف است که هم در توزیع، هم در رویه و هم در مراوده، عادلانه رفتار کند.

خط مشی های ناظر بر تأمین نیازهای آینده

شرایط امروز ما از حیث نیازها و امکانات، اثر راهبردهای گذشته اند. بنابراین، برای اصلاح آینده باید از امروز به نیازهای آینده اندیشید و برای تأمین آنها، برنامه ریزی کرد. حکمران عادل، موظف است که نیاز نسل های بعد را در نظر بگیرد؛ چنان که گویا خود با آنها زندگی می کند. سیستم حکمرانی باید با تدوین برنامه های دوربرد و خط مشی گذاری پایا، دورنمای آینده را نیز ترسیم نماید. البته باید دقت شود که اهتمام به این گونه امور، مانع اقدامات جاری متداول برای اداره امور روزمره حکومت نگردد.

در این امتداد، به ویژه بر یادگیری برای اصلاح امور تأکید می شود. تاریخ نویسان حکومتی از ثبت شکست ها خودداری می کنند؛ در حالی که بیان شکست های حکمرانان در کنار موفقیت های آنان ضرورت دارد؛ زیرا ثبت هر مورد عدم موفقیت حکمرانان، زمینه

ساز انتقال تجربه‌های گران‌سنگ آنان برای حکومت‌های آینده است (ر.ک. پورعزت و کیانی، ۱۳۹۴-الف، ۷۳). برای نمونه، شاخه اجرایی حکومت‌ها معمولاً تمایل دارند در بیان موفقیت‌های خود بزرگنمایی کنند؛ زیرا، به طور طبیعی، موفقیت‌ها بر خاطراتی شیرین دلالت دارند که امید برگشت به مسند قدرت را در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری افزایش می‌دهند؛ ضمن این‌که گویا ساختار روانی ذهن آدمی نیز از تداعی شکست‌ها گریزان است و به ذکر موفقیت‌ها مشتاق است. بنابراین، مستندسازی موفقیت‌ها نیز برای انتقال تجربه به نسل‌های بعدی ارزشمند است؛ به ویژه اگر با تحلیل‌هایی از چرایی‌ها و چگونگی‌ها همراه باشد، به گونه‌ای که امکان موفقیت بیشتر را برای دولت‌های بعدی افزایش دهد و سلسله متوالی پیامدهای مطلوب و خوشایند را تقویت کند و چرخه هم‌افزای موفقیت‌ها را استمرار بخشد (پورعزت، ۱۳۹۴-ب، ۴۲۲).

همانگونه که حکمرانان فعلی، وام‌دار یا آسیب‌خورده عملکرد گذشتگانند، ترسیم‌کننده دورنمای آینده قلمرو حکومت خویش‌اند؛ بنابراین، هم در برابر مردم گذشته (برای به ثمر نشاندن صبر آنان) و هم در برابر مردم آینده (برای بهبود الزامات زندگی آنان)، مسئولیت سنگینی بر عهده حکمرانان است. در ادامه این مسئولیت، پیشنهاد می‌شود تا از مجاری ارتباطی دسترسی پاسخ‌گو به منظور کاهش فاصله بین حکومت و مردم استفاده شود. مفهوم مدیریت ارتباط با شهروندان (CzRM)^۱، بر ارائه سریع و مستمر خدمات تأکید دارد. مدیریت ارتباط با شهروندان، موجب تقویت همکاری حکومت و مردم، افزایش کارایی مالی و عملیاتی و گرایش به سمت نوآوری در جامعه می‌گردد. بنابراین، راهبردهای مدیریت ارتباط با شهروندان باید از طریق چند کانال ارتباطی، با دیدی همه‌جانبه و حول نیازهای شهروندان توسعه یابد (Xavier, 2002). اما نباید به همین حد بسنده شود؛ سیستم ارتباط با شهروندان باید نسل‌های متوالی را در برگیرد.

در خطبه ۱۲ نهج‌البلاغه، آنجا که پس از پیروزی در جنگ بصره در سال ۳۶ هجری، یکی از یاران خطاب به امام علی علیه السلام می‌گوید: دوست داشتم برادرم با ما بود و می‌دید که چگونه خدا تو را بر دشمنان پیروز کرد. در پاسخ، از امام علی علیه السلام چنین روایت شده است:

1. Citizen Relationship Management

آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟ گفت: آری.

سپس روایت شده که امام با اشاره به ارزش هم‌عقیدگی، چنین اظهار فرموده‌اند که:

حتی کسانی که هنوز زاده نشده‌اند، ولی هم‌فکر با ما هستند در این پیروزی با ما همراه و شریک بوده‌اند! (ر.ک. ترجمه آیتی، ۵۸؛ و ترجمه دشتی، ۳۷)

در خطبه ۹۲ نیز در خصوص حوادث آینده چنین روایت شده است:

اکنون، پیش از آنکه مرا نیاید، هر چه خواهید از من پرسید. سوگند به آنکه جان من در قبضه قدرت اوست، از هر واقعه‌ای که از این زمان تا روز قیامت اتفاق می‌افتد، اگر از من پرسید شما را پاسخ خواهم داد و نیز از آن گروه که صد نفر را هدایت کنند و صد نفر را گمراه، خبر می‌دهم، و می‌گویم که دعوت کننده آنها کیست و پیشروشان کیست و رهبرشان کدام است؛ و می‌گویم که اشتران خود را به کجا می‌خوابانند و در کجا بار می‌گشایند و کدام یک از آنان کشته می‌شود و کدام یک خود می‌میرد. اگر من در میان شما نباشم و دشواری‌ها و حوادث ناگوار بر شما فرود آید، بسیاری از پرسندگان سر در جیب حیرت فرو کنند و بسیاری از پاسخ‌دهندگان از پاسخ عاجز آیند؛ و این به هنگامی است که جنگ‌ها در میان شما به درازا کشد و لهیب آن فروخته گردد و جهان بر شما تنگ شود، روزهای بلا و مصیبتان به درازا کشد؛ تا آن گاه، که خدا آن گروه از نیکوکاران را که در میان شما باقی مانده‌اند، پیروزی دهد. هنگامی که فتنه‌ها روی در آمدن دارند، حق و باطل به هم آمیخته شود و چون بازگردند، حقیقت آشکار شود. به هنگام روی آوردن، ناشناخته‌اند و چون بازگردند، شناخته آیند. فتنه‌ها چون باده‌ها در گردش‌اند؛ به شهری می‌رسند و از شهری می‌گذرند! (ر.ک. ترجمه آیتی، ۲۰۷)

همچنین در خطبه ۱۰۱ چنین آمده است:

سوگند به آن کس که دانه را شکافت، و جانداران را آفرید، آنچه به شما خبر

می‌دهم از پیامبر امی «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» است، نه گوینده دروغ گفت و نه شنونده ناآگاه بود. گویا می‌بینم «شخص سخت گمراهی» را که از شام فریاد زند و بتازد و پرچم‌های خود را در اطراف کوفه پیراکنند و چون دهان گشاید و سرکشی کند و جای پایش بر زمین محکم گردد، «فتنه»، فرزندِ خویش را به دندان گیرد و آتش جنگ شعله‌ور شود. روزها با چهره عبوس و گرفته ظاهر شوند و شب و روز با رنج و اندوه بگذرند؛ و آنگاه که کشتزار او به بار نشست و میوه او آب دار شد، و چون شتر مست خروشید و چون برق درخشید، پرچم‌های سپاه فتنه، از هر سو به اهتزاز درآیند و چونان شب تار و دریای متلاطم، به مردم روی آورند. از آن بیشتر، چه طوفانهای سختی که شهر کوفه را بشکافد و چه تند بادهایی که بر آن وزیدن گیرد و به زودی دسته‌های گوناگون به جان یکدیگر یورش آورند، آنها که بر سر پا ایستاده‌اند درو شوند و آنها که بر زمین افتادند، لگد مال گردند (ر.ک. ترجمه دشتی، ۱۳۳).

این همه تأکید بر حوادث آینده، با درایت و عنایت به فهم اثر حال بر آینده است؛ اثری که به ویژه در بسیاری از موارد، در خط‌مشی‌های دولت‌ها نهان شده می‌ماند! به ویژه اثر تصمیم‌های مالی بر آینده بسیار تعیین کننده است. واقعیت این است که قانون «آینده را می‌سازد» و در این میان قوانین مالی بسیار ممتازند. در فرازی از نامه ۳۱ نهج‌البلاغه از امام علی علیه السلام خطاب به فرزند گرامیش چنین روایت شده است:

در دیار و آثار ویران رفتگان گردش کن و بیندیش که " آنها چه کردند؟ از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمدند؟" از جمع دوستان جدا شده و به دیار غربت سفر کردند، گویا زمانی نمی‌گذرد که تو هم یکی از آنانی!
پس جایگاه آینده را آباد کن، آخرت را به دنیا مفروش و آنچه نمی‌دانی مگو و آنچه بر تو لازم نیست، بر زبان نیاور و در جاده‌ای که از گمراهی آن می‌ترسی، قدم مگذار؛ زیرا خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی، بهتر از سقوط در تباهی‌هاست.
به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش و با دست و زبان، بدی‌ها را انکار کن و بکوش

تا از بدکاران دور باشی و در راه خدا، آن گونه که شایسته است، تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت‌گران، تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق، در مشکلات و سختی‌ها شنا کن. شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات، عادت ده که شکیبایی در راه حق، عادتی پسندیده است. در همه کارها خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای.

در دعا با اخلاص، پروردگارت را بخوان که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. وصیت مرا به درستی دریاب و به سادگی از آن نگذر؛ زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد. بدان! علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت؛ ودانشی که سزاوار یادگیری نیست، سودی ندارد (ر.ک. ترجمه دشتی، ۳۷۰ و ۳۷۱) ملاحظه می‌شود بر نکاتی چون عطف توجه به آینده، استقامت در کار خیر و توجه به پیامدهای عمل و تصمیم، بسیار تأکید شده است؛ نکاتی که باید به‌طور جدی مدنظر خطمشی‌گذاران قرار گیرند. بنابراین، در هر مورد تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری مالی؛ باید توجه داشت که در ازای هر «یک ریال» هزینه از بیت‌المال، چه میزان به زندگی مردم بر می‌گردد! یعنی سودمندی خطمشی مالی، بر اساس آثار و پیامدهای اجرای آن محاسبه می‌شود. به‌طور کلی خطمشی‌ای سودمند است که بتواند آینده بهتری را برای نیروهای انسانی و آحاد جامعه رقم بزند.

خطمشی‌های تبیینی ناظر بر توسعه و توزیع منابع مالی حال و آینده

سرنوشت گذشته جوامع بشری، گویای این حقیقت است که بسیاری از حوادث اجتماعی، به مثابه عبرت تاریخی تلقی شده؛ عبرت‌هایی که پای بن حکمت حکومت را سیراب می‌سازند و در آفرینش حوادث آینده زندگی بشر، نقش متمایزی را ایفاء می‌کنند. بدین سان، یک حادثه تاریخی ممکن است تا پایان بقای هستی، اثربخش و تأثیرگذار باشد (ر.ک. بورعزت، ۱۳۸۷، ۲۷۶). همان گونه که امکانات امروز حاصل و دستاورد تلاش‌های نسل‌های گذشته اند، تأکید می‌شود که "جامعه امروز است که امکانات فردا را می‌سازد".

توزیع عادلانه امکانات، باعث اطمینان خاطر بیشتر مردم نسبت به مجریان قانون می‌گردد. در بحث از عدالت رویه‌ای تأکید می‌شود که منافع منصفانه و سهم‌های عادلانه، باید به رویه و

روشی عادلانه، شفاف و قابل فهم برای همه کارکنان، توزیع شوند تا احساس عدالت را افزایش دهند (Cole & Flint, 2004, 19).

بنابراین، حکمرانان عادل باید نظارت دقیق و مستمری بر نحوه توزیع عادلانه ثروت و امکانات عمومی در اختیار خویش (امانت‌های عمومی) داشته باشند؛ چون توزیع منصفانه امکانات، نقش به سزائی در دوام و پایداری حکومت و دولت دارد. خداوند بصیر و سمیع، این نکته را در قرآن کریم مورد تأکید قرار داده است:

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (قرآن کریم، حشر، ۷)

آن غنیمتی که خداوند از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است، از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده، تا میان توانگراتان دست به دست نشود. هر چه پیامبر به شما داد بستانید و از هر چه شما را منع کرد، اجتناب کنید. و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت کننده است (ر.ک. ترجمه آیتی، ۵۴۷).

در این باره در نامه ۵۹ نهج البلاغه نیز چنین تصریح شده است:

پس باید که کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد؛ زیرا در ستمکاری، بها و جایگزینی برای عدالت یافت نمی‌شود (ر.ک. ترجمه دشتی، ۴۲۵)؛ یعنی از ستم نمی‌توان به عدالت رسید (ر.ک. ترجمه آیتی، ۷۵۹).

بر حکمرانان عادل فرض است که در مصرف منابع ملی چنان حساس باشند که در دوره حکمرانی ایشان، به حد قابل قبولی بر امکانات موجود و فرصت‌های رشد جامعه افزوده شود. برای مثال، نفت متعلق به همه آحاد جامعه، از دیروز تا آینده دور است. این ثروت، باید تبدیل به سرمایه و موتور محرکه رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه شود؛ ضمن اینکه باید به امکاناتی مولد و پر بازده تبدیل گردد تا بهره نسل‌های متوالی از آن محفوظ بماند (ر.ک. پورعزت و کیانی، ۱۳۹۴- الف، ۷۷).

تدبیر اولویت‌ها در مصرف هزینه‌های عمومی

تدبیر برحق امور، مستلزم نگاه دوراندیشانه به منطق اولویت‌بندی هزینه‌های عمومی است؛ این اولویت‌بندی با این باور انجام می‌پذیرد که همه امکانات حکومتی و فرصت‌های ناشی از حکمرانی، نوعی امانت محسوب می‌شوند؛ امانت‌هایی که باید به بهترین شکل نگهداری شوند و به مقصد خود برسند.

مقصد، شرایطی است که در آن، بیشترین بهره‌وری و بهترین سطوح کیفیت حاصل آمده باشد. بنابراین، هر شاخصی که برای انجام کار در بخش عمومی انتخاب می‌شود، باید نشانی از این «تمایل به امانت‌داری» داشته باشد؛ پس باید به گونه‌ای اقدام شود که بیشترین و بهترین نتایج را حاصل نماید. مدیر مسلمان باید در عین قناعت از بخل بپرهیزد؛ او باید چنان دست و دل باز باشد که نیروهای تحت امرش از حقوق و مزایای کافی بهره‌مند گردند و چنان باید قناعت ورزد که اسیر فقر و فلاکت نشود.

در آیه شریفه ۲۹ از سوره اسراء در قرآن کریم، خداوند در این باره چنین می‌فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا.
نه دست خویش از روی خست به گردن بیند و نه به سخاوت یک باره بگشای
که در هر دو حال، ملامت زده و سرخورده بشینی (ر.ک. ترجمه آیتی، ۲۸۶).

مصرف بهینه منابع، مستلزم ملاحظه واقعیت‌های زندگی عامه جامعه و حکمرانان است. تدوین خط‌مشی‌های مالی صحیح و اجرای درست آنها، به مرور زمان، فرهنگ مصرف عامه را اصلاح می‌نماید. در این امتداد، همه آحاد مردم باید خود را در برابر خرده سیستم مالی جامعه، متعهد و مکلف بدانند؛ به طوری که اگر یکی از آحاد جامعه، دچار انحراف مالی شد، مجموعه مردم با وی برخورد کرده، او را به اصلاح وادارند. حکمران مسلمان موظف است بر وضع مالی همه کارگزاران نظارت نماید و با این کار، مانع استفاده شخصی و گروهی افراد گردد و باید به طور مستمر نتیجه نظارت خویش را در معرض دید عامه قرار دهد.

سیستم پایش و توزیع منابع و هزینه‌های عمومی

اجرای برخی از خدمات عمومی، مستلزم تأمین هزینه‌های آن خدمات از سوی حکمرانان

جامعه اسلامی (از منابع متعلق به عامه مردم) است؛ ولی تأمین مالی برخی از آنها بر عهده مصرف‌کنندگان آنهاست؛ به ویژه در مواردی که مصارف خاص شهروندانی مدنظر است که از استطاعت مالی کافی برخوردارند. در مواردی که بخش عمده‌ای از خدمات عمومی توسط حکومت‌ها ارائه می‌گردد، به جهت تضمین رعایت قوانین ناظر بر توزیع منابع و خدمات، حکومت‌ها باید بر نحوه اجرا و توزیع آنها نظارت مستمر داشته باشند؛ به طوری که در حین اجرا و توزیع، انصاف رعایت گردد و برخورداری عده‌ای خاص از مصارف معین، حق سایرین را ضایع نکند.

در برخی از موارد، حتی هزینه رفع نیازهای شخصی عده‌ای از شهروندان، بر عهده حکومت قرار می‌گیرد. برای مثال، حکومت باید هزینه‌های تأمین دارو برای اقشار بی‌بضاعت را بپردازد؛ ولی در مورد اقشار پردرآمد، صرفاً موظف به تسهیل رویه‌های دسترسی و تضمین سلامت مواد دارویی مورد نظر است؛ در واقع شیوه برخورد حکومت با فقرا، باید با توجهی اضافی و ویژه همراه باشد و تأکید مضاعفی را سبب شود!

از امام علی علیه السلام در نامه ۲۶ نهج‌البلاغه چنین روایت شده است:

تو را در این صدقه نصیبی است ثابت و حقی است معلوم؛ و نیز مسکینان و ناتوانان و بینوایان با تو شریک اند! من حق تو را به تمامی می‌پردازم، تو نیز حق آنان را به تمامی بپرداز، که اگر چنین نکنی، در روز جزا مدعیان تو از همه بیشتراند و بدا به حال کسی که مدعیانش در پیشگاه عدل الهی، فقیران و مسکینان و سائلان و رانده‌شدگان و وامداران و در راه‌ماندگان باشند.
هرکه امانت را بی‌ارج شمارد و در مزرع خیانت چرد و خود و دین خود را از لوٹ آن پاکیزه نسازد، خود را در دنیا گرفتار خواری و رسوایی ساخته و در آخرت خوارتر و رسواتر است. بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به مسلمانان است و بزرگ‌ترین دغلكاری، دغلكاری با پیشوایان (ر.ک. ترجمه آیتی، ۶۴۱).

حکومت به هنگام تدبیر امور جامعه، به‌ویژه هنگام تدوین خط‌مشی‌های مالی خود، باید به‌گونه‌ای عمل کند که به دور از افراط و تفریط، حرمت گذشتگان، منافع عصر حاضر و مصالح آیندگان را به تمامی دریابد و مسئولیت پیامدهای تسلسلی تصمیم‌ها و خط‌مشی‌ها و بازتوزیع

منابع در اختیار خود را بر عهده گیرد.

سیستم پایش در حکومت دینی باید بتواند با افزایش سطوح دقت و سرعت، زیرساخت مناسبی را برای نظارت بر مخارج و هزینه‌ها فراهم آورد.

حکومت و نسل‌های متوالی

حکومت در برابر هر سه نسل گذشته، حال و آینده مسئول است. رشد و بالندگی هر جامعه، در گرو نحوه تأمین منابع مالی مورد نیاز آن است. در مسیر توسعه تمدن اسلامی، روش مدیریتی پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله» و نحوه کسب منابع حلال (از قبیل غنایم جنگی، خمس، خراج و زکات و انواع درآمدهای عمومی) و شیوه تقسیم و مصرف منابع در اختیار حکومت، به منزله الگوی حکمرانی در قرون و اعصار بعدی، مدنظر مسلمانان قرار گرفت. با این حال، انحرافات زیادی در شیوه حکمرانی خلفا بروز کرد و به‌ویژه، بنی‌امیه و بنی‌عباس با الگوگیری از شیوه‌های حکمرانی در رم و ایران، زمینه‌های انحراف از موازین عدل در حکمرانی را سبب‌ساز شدند؛ به‌طوری که پس از مدتی، از اسلام چیزی جز ظاهر باقی نماند. هرچند، دستاوردهای فنی این دوران قابل تأمل بود. زیرا شیوه‌ها و روش‌هایی برای کنترل اموال به کارگرفته می‌شد که می‌توانستند بدان وسیله، امپراطوری بزرگ اسلامی را اداره کنند (ر.ک. پورعزت و کیانی، ۱۳۹۴- الف، ۵۹).

منابع ملی، امانت خداوند و حق عامه مردم در نزد حکمرانند و حکمران موظف است تا با تدبیر و دوراندیشی، این منابع را در بهترین شرایط ممکن نگهداری کند و به بهترین مصارف ممکن برساند. حکومت مسئول است تا آثار گذشتگان را حفظ نماید، به ویژه موقوفات گذشتگان باید به مصارف وقف شده برسند و نظارت حکومت بر این مهم، اثرگذار است. بهره‌گیری بهینه و صحیح از منابع به جای مانده از گذشتگان، سبب می‌شود که جامعه رو به شکوفایی نهد و از آسیب‌های اقتصادی و مالی احتمالی مصون بماند. جامعه‌ای که با رویکرد حفظ منابع و استفاده به جا و مناسب از امکانات موجود و ذخایر غنی قابل استخراج، برخورد می‌نماید، دچار اضمحلال و سستی و نابودی نمی‌شود. مصرف بهینه منابع با نگاه به آینده و نسل‌های بعدی نیز مانع سوء استفاده از بیت‌المال می‌شود. مدیر مسلمان باید با برنامه‌ریزی و طبقه‌بندی اولویت‌های مالی جامعه خویش و با در نظر گرفتن جوانب امر و

پیش‌بینی احتمالات و اتفاقاتی که در حین اقدام، بروز می‌کنند، چاره‌اندیشی کند و زمینه بهینه‌سازی سیر مصرف منابع را فراهم آورد. البته، نباید از حوادث و مقدرات الهی که خارج از قدرت تصمیم‌گیری افراد است، غافل ماند. به هر حال هنگام خطبشی گذاری مالی و اجرای خطبشی، باید جوانب گوناگون را در نظر گرفت و نهایت احتیاط را به عمل آورد. حتی برای کاهش سطح مخاطره، گاهی توصیه می‌شود که از راه‌های گوناگون استفاده شود و به اصطلاح، سید امکانات و فرصت‌ها مدنظر قرار گیرد. در این جهت، می‌توان به توصیه هوشمندانه پیامبر ارجمند خداوند، حضرت یعقوب علیه السلام اشاره کرد که به فرزندان خویش چنین می‌فرماید:

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ
(قرآن کریم، یوسف، ۶۷).

گفت: ای پسران من، از یک دروازه داخل مشوید و از دروازه‌های گوناگون داخل شوید؛ و من قضای خدا را از سر شما دفع نتوانم کرد؛ و هیچ فرمانی جز فرمان خدا نیست. بر او توکل کردم و توکل کنندگان بر او توکل می‌کنند (ر.ک. ترجمه آیتی، ۲۴۴).

تخصیص منابع مالی برای رفع نیازهای گوناگون ضروری جامعه اسلامی، با رعایت اعتدال و انصاف در چرخه توزیع و نیز حفظ منافع جامعه و همچنین رعایت جوانب صرفه و صلاح مردم، بسیار حائز اهمیت است.

در جنگ حنین، شخصی در باره نحوه تقسیم غنایم به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» اعتراض کرد، آیه ذیل با این مضمون نازل شد که اگر مردم به آنچه که خدا و رسولش به آنان عطا کرده‌اند، قناعت پیشه می‌کردند، خداوند از فضلش به آنان بیشتر عطا می‌کرد:

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (قرآن کریم، توبه، ۵۹)

چه می‌شود اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان عطا می‌کند، خشنود باشند و

بگویند: خدا ما را بس است و خدا و پیامبرش ما را از فضل خویش بی‌نصیب نخواهند گذاشت و ما به خدا رغبت می‌ورزیم؟ (ر.ک. ترجمه آیتی، ۱۹۷).

از حضرت علی علیه السلام نیز در فرازی از خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، چنین روایت شده است: اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند و یا زمامدار بر مردم ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود؛ نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر «صلی الله علیه و آله» متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماریهای دل فراوان می‌شود. مردم از این که حق بزرگی فراموش می‌شود یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند؛ پس در آن زمان، نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفر الهی بر بندگان، بزرگ و دردناک خواهد بود (ر.ک. ترجمه دشتی، ۳۱۵).

نکته اینجاست که بسیاری از انحرافات ایجاد شده در نحوه مصرف و تخصیص منابع و تعیین اولویت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ریشه در هوای نفس دارد. برای مثال، نماینده مجلس برای رسیدن به رأی کافی تلاش می‌کند، نه نیل به اهداف ملی، منافع ملی، خدمت بیشتر، یا مصالح عمومی.

سیستم حکمرانی باید تلاش کند تا با ملاحظه ابعاد گوناگون حیات عامه، منابع مالی را با در نظر گرفتن چالش‌های حال و آینده، به گونه‌ای مصرف کند که در هر مورد، حجتی آشکار بر بهره‌وری مطلوب و بهینه داشته باشد. حکومت مسئول زندگی مطلوب نسل حاضر است و باید شرایط کامیابی و سعادت مندی نسل حاضر را فراهم آورد.

استخراج از معادن و ذخایر زیرزمینی باید تابع شرایط خاص و بر اساس نیازهای موجود و آینده جامعه باشد و تعیین سقف مصرف منابع و معادن باید براساس قوانین و مقررات تعیین شود. همچنین تعیین رویه‌های مجاز واردات و صادرات و تأمین اعتبارات مورد نیاز برای نظارت بر تجارت سالم، از مسئولیت‌های مهم سیستم حکمرانی است.

تأمین الزامات حیات خردمندانه دشوار است، ولی ناممکن نیست. براساس نظریه وضع^۱ (Morgan, 2006) و نظریه ساخت اجتماعی واقعیت^۲ (Scott and Davis, 2007)، آنچه

1. enactment theory.

2. social construction of reality

مردم امروز به آن می‌اندیشند، بر نحوه سازماندهی منابع آینده تأثیر می‌گذارد، بنابراین مردم در فراگرد ساخت واقعیت آینده (Pourezzat, 2010)، مکرراً و مستمراً، آینده را بر اساس برداشتها و باورهای امروز خود شکل می‌دهند. (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۳-ب، ۲۴۷). این مهم باید در شمار اهداف حکمرانی سالم و متعالی، مدنظر قرار گیرد؛ به طوری که موجب شکوفا شدن استعدادهای عامه مردم شود. بدین ترتیب، مصرف هر بخش از منابع ملی باید با درایت نسبت به نیازهای حال و آینده، حاصل انتخابی مدبرانه و بهینه ساز باشد.

بنابراین حکومت، در برابر شرایط زندگی و تأمین الزامات اولیه عامه و هدایت نسل‌های بعدی و توسعه امکانات حیات آنها مسئول است و باید شرایط مساعدی را برای زندگی خردمندان آنان فراهم سازد.

نتیجه

حکومت باید به هنگام تدبیر امور جامعه، به‌ویژه هنگام تدوین خط‌مشی‌های مالی خود، به‌گونه‌ای عمل کند که به دور از افراط و تفریط، حرمت گذشتگان، منافع اهل حاضر و مصالح آیندگان را به تمامی دریابد و مسئولیت پیامدهای تسلسلی تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های خود را بر عهده گیرد.

حکومت موظف است تا منابع ملی را حفظ نماید و در عین حال، زمینه رشد و ارتقای کمیت و کیفیت آنها را فراهم کند. در واقع، حکومت باید در هر مورد مصرف، این مهم را مدنظر قرار دهد که آیا مصرف منابع مورد نظر در شرایط حاضر، بهترین انتخاب ممکن در جهت مصالح ملی است یا خیر! بدین ترتیب، «منطق اولویت‌بندی هزینه‌ها و مخارج عمومی»، به شکلی بسیار صریح و واضح، «بهینه‌سازی منافع مردم نسل‌های متوالی» است؛ به‌گونه‌ای که با ملاحظه فرازمانی مصالح ملی و منطقه‌ای و با در نظر گرفتن ابعاد و آثار سیاسی و فرهنگی، در کنار آثار اقتصادی هر هزینه، بهترین تصمیم‌ها اتخاذ گردد.

نکته مهم این است که مسیر مستمر بهینه‌سازی منابع باید بر «حجتی آشکار و قابل دفاع» بنا نهاده شده باشد؛ حجتی که حکومت بتواند با ابتناء بر آن، در هر مورد مصرف منابع ملی، بر آن اتکاء نماید؛ یعنی بتواند نمایندگان مردم را متقاعد سازد که این بهترین الگوی مصرف منابع اقتصادی جامعه، در «اینجا و اکنون» است!

در خطمشی گذاری و تخصیص منابع مالی در اختیار حکومت و شیوه به کارگیری منابع و نحوه مصرف آنها نیز باید این حسن تدبیر را به کار گرفت. تخصیص منابع مالی به برنامه‌های اجرایی گوناگون برای رفع نیازهای متعدد جامعه اسلامی، منوط به رعایت اعتدال و انصاف در چرخه توزیع، با حفظ منافع آحاد جامعه و رعایت جوانب صرفه و صلاح مردم است. رعایت الگوی مصرف و بهینه سازی منابع و مصارف، مستلزم تأمین شرایط و امکانات حاصل از اجرای فراگرد حساسی و حسابداری عمومی است. هر چند که اجرای آن، نیازمند عزم و اراده عامه جامعه است، ولی تحقق این امر، منوط به فراهم نمودن لوازم و ابزار و امکانات مورد نظر، در ایجاد رغبت و ترغیب مردم به آن سو است. بنابراین هر چند اصلاح سیستم خطمشی گذاری مالی، مقدمه نیل به الزامات حکمرانی متعالی است، تحقق آن در گرو خواست عامه و برانگیختگی عزم عمومی است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات سروش، واحد احیای هنرهای اسلامی، ۱۳۷۱.
- المیزان: ترجمه تفسیر المیزان. علامه سیدمحمدحسین طباطبایی. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دوره بیست جلدی، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ هجدهم. تابستان ۱۳۸۳ (و چاپ ۱۳۷۴).
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد. بی تا، المغنی، بیروت، دارالکتاب.
- الوانی، سید مهدی و فتاح شریف زاده، ۱۳۷۹، فرایند خطمشی گذاری عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۸۷. مختصات حکومت حق مدار، در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورعزت، علی اصغر، عهد نامه امیر علیه السلام (جان مایه خرد معنوی در حکمرانی و سنت انبیاء)، ۱۳۸۹، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۹۱- الف. عدالت زبانی، نقطه عطف روایت عدالت در نهج البلاغه. انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- پورعزت، علی اصغر، آرین قلی پور و علی اصغر سعدآبادی. ۱۳۹۱- ب. تدوین الگوی توسعه و پیشرفت در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام، دوفصلنامه اسلام و مدیریت، س ۱، ش ۲، پاییز و

- زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۱-۱۰۳.
- پورعزت، علی اصغر و پاکنوش کیانی. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان‌های دولتی و مؤسسه‌های پژوهشی تهران. فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت، س ۴، ش ۳، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۹-۴۶.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۹۳- الف. مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه - مدیریت ما. انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- پورعزت، علی اصغر و دیگران. ۱۳۹۳- ب. مدیریت ایران، کشورداری الکترونیک. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورعزت، علی اصغر و پاکنوش کیانی. ۱۳۹۴- الف. خط مشی مالی دولت و حریم بیت المال از منظر نهج البلاغه. انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۹۴- ب. «نگاه فراآهنگ به عملکرد کارگزاران حکومت در امتداد حساب پس دهی پیش از حساب پس کشی». در علی اصغر پورعزت (ویراستار)، ۱۳۹۴. مدیریت ایران: مدیریت و ارزیابی عملکرد دولت. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن (چاپ ۱۳۸۳).
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. مفاتیح الحیة، مرکز نشر اسراء، چاپ یکصد و شصت و نهم.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۹ ق. وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، مؤسسه آل‌البیت «علیهم‌السلام»، چاپ اول.
- حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۶۰، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه.
- صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، محمد خواجه‌جوی و علی عابدی شاهرودی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ ش.
- علی‌المتقی بن حسام‌الدین الیهندی البرهانی فوری (م ۹۷۵ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تحقیق و تصحیح: صفوة سقا- بکری حیانی، ج ۳، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با اصلاحات سال ۱۳۶۸)، دبیرخانه شورای بازنگری قانون اساسی، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، شهریورماه ۱۳۷۷.
- کیانی، پاکنوش. ۱۳۹۱. بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمانهای دولتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- مجیدی، فریبرز، دموکراسی، ۱۳۷۳، چاپ اول، انتشارات خوارزمی.

- نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام. گردآوری سید شریف رضی. ترجمه عبدالمحمد آیتی. ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴. دفتر نشر فرهنگ اسلامی و انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام. گردآوری سید شریف رضی. ترجمه محمد دشتی. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام. انتشارات پیام عدالت.
- نهج البلاغه، سخنان امام علی ابن ابیطالب علیه السلام. گردآوری سید شریف رضی. ترجمه سید جعفر شهیدی. چاپ‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۸. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- نهج البلاغه، امام علی علیه السلام. گردآوری سید شریف رضی. ترجمه سید جعفر شهیدی، ۱۴۲۰ قمری. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Armstrong, Michael (2010), *Armstrong's Handbook of Reward Management: Improving Performance Through Reward*, 3rd ed, UK: Koganpage.
- Bowman, James S. and Claire Conolly Knox (2008). "Ethics in Government: No Matter How Long and Dark the Night" *Public Administration Review*, 68(4):627-639
- Cole, Nina D. & Douglas H Flint. 2004. "Perceptions of distributive and procedural justice in employee benefits: flexible versus traditional benefit plans". *Journal of managerial psychology*. Vol. 19. No. 1.
- Marini Frank. 1971. "An Introduction: A New Public Administration?" In Frank Marini (Ed). 1971 *Toward a New Public Administration: The Minnowbrook Perspective*. Chandler Publishing Company.
- Oneal, S (1998) "The Phenomenon of Total Rewards" , *ACA Journal*, 7(3)"8-14.
- Pourezat, Ali Asghar, Ghazaleh Taheri Attar And Sayed Mahdi Sharifmousavi (2011), "Application of Era-based Cellular Planning for Development of e-Government in Developing Countries", *International Journal of innovation in the digital Economy* , 2(2):pp.1-11.
- Roch, Sylvia G. & Linda R. Shano C. K. 2006. "Organizational justice in an exchange framework: Clarifying Organizational justice Distinctions". *Journal of Management*. Vol. 32, No. 2.
- Xavier, M.J.(2002), "Citizen Relationship Management- Concepts, tools", 6th Research Conference on Relationship Management in Atlanta, Georgia.